

“ترئین”، عنصر اصلی در زیبایی‌شناسی هنر ایران

شهره جوادی

استادیار گروه هنرهای تجسمی

دانشکده هنرهای زیبا؛ دانشگاه تهران

Javadi@Nazar.ws

چکیده

آفرینش زیبایی در هنر ایران بر اصل ترئین استوار است.

در معماری ایرانی قبل و پس از اسلام عنصر ترئین نقش اساسی دارد و حضور ترئینات که عمدتاً پرکار و متوع می‌باشد از معماری و ساختمان جلیلی ناپذیر است.

از دوره هخامنشی و ساسانی و پس از اسلام تا پایان دوره قاجار شاهد زیبایی‌شناسی مبتنی بر ترئین هستیم.

نقاشی ایرانی نیز در عین روایت گری، سراسر ترئین است. آنچه از نقاشی‌های قبل از اسلام سرخ داریم، معمولاً با موضوعات شکار و جنگ شاهان است. شخصیت‌های ترسیم شده در این صحنه‌ها با لباسها و جواهرات و آلات و لباس‌شان، پر از نقش و نگارهای زیبا و متوع است. البته این نگاره‌ها علاوه بر عناصری که از طبیعت الهام گرفته شده بعضاً اسطوره‌ای و نمادین نیز می‌باشد.

در نقش بر جسته‌هایی که از دوره هخامنشی و ساسانی بر جای مانده و صحنه‌هایی مانند تاج گناری، شکار و جنگ را به نمایش گذاشته است، می‌توان نمادهای ترئینی را به وفور مشاهده نمود. هنرهای دستی که در خدمت زندگی روزمره مردم بوده مانند فرش و پارچه نیز به نقش ترئینی آراسته می‌باشدند.

کلید واژه: ترئین، زیبایی، نقاشی، معماری، نماد طبیعته، باورها و اعتقادات.

مقدمه

اما به تدریج و در دوران اسلامی بسیاری از اشکال و عناصر نمادین که باقی مانده فقط به عنوان نقش مایه تداول می‌افتد است و دیگر بار فرهنگی و اعتقادی گذشته را دارا نمی‌باشد.

بر اثر تکرار و تداول نقش طی دوران طولانی طبیعاً مهارت و تنوع در آفرینش زیبایی مبتنی بر ترئین افزوده شده و تاکنون نیز در هنرهای مختلف ایرانی حضور دارد.

فرضیه

زیبایی‌شناسی هنر ایران بر اصل ترئین استوار است؛ و معمولاً عناصر ترئینی از باورها و عقاید کهن مردم ریشه گرفته است.

اصل «زیبایی» به اعتقاد بسیاری از نظریه پردازان «جوهر هنر» بوده و از اینرو است که پرداختن به موضوع زیبایی و تعریف و تحلیل آن لازمه شناخت هنر می‌باشد البته منظور از زیبایی همان زیبایی نسبی است که در میان اقوام و ملل مختلف با ویژگی‌های مختلف و صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شود چنانکه در هنر اقوام کهن در شرق و غرب عالم زیبایی در قالب ترئینات تجلی یافته و بخصوص در هنر شرق نقش ترئین بسیار قوی می‌باشد اما معانی و مفاهیم متفاوتی در ورای ترئینات نهفته است که معمولاً ریشه در باورهای اساطیری و دینی اقوام دارد.

موضوع مورد بحث نقش اصلی و اساسی ترئین در هنر ایران است که به صورت‌های طبیعت گرا و نمادین تجلی یافته و در دوران باستان عناصر بسیار قوی بوده است.

خواهیم دید که چگونه دیوارهای اینیه هندی در زیر بار سنگین زیتهای برجسته معماری ساختمان را از سادگی طبیعی خارج نموده و به مجموع ساختمان یک وضع اضطراب و پیچیدگی داده است." (زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷)

"تعادل و تابعیت نقوش و رسوم و به کار بردن فوق سلیمان که ایرانیان در تریین اینیه خود به کار برده و معماران آنها بدل آشنا بوده اند عظمت و ابهت بی نظری به این اینیه داده است..."

به طوری که شخص در اینیه ایرانی به هر طرف که نظر اندازد منظره جدیدی مشاهده می کند و از دین آنها مانند سایر اینیه غیر ایرانی دل گرفته نمی شود" (زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷)

احتمالاً منظور نویسنده از این توصیف و کلمه "دل گرفته" این باشد که در تریینات معماری ایرانی، توع نقوش مهمی دارد چنانچه در مقایسه تریینات ایرانی با سایر ملل اسلامی این امر به وضوح مشخص است که تا چه اندازه توع به جهت فرم و رنگ در تریینات ایرانی وجود دارد و از دل گرفته به منظور یکنوتختی کمالت اور است که در بعضی اینیه و تریینات آن در ممالک اسلامی مشاهده می شود.

"سبکهای فنی ایران که در دوره اسلامی به وجود آمده و رونق گرفته استه قبل از هر چیز زیبا و ظریف (لوکس) است و از این حیث شبیه کلیه سبکهای فنی و صنعتی اسلامی است؛ و در واقع در مجرد ساختن موضوعهای تریینی و دور ساختن آنها از اصل و شکل طبیعی نیز شباهت کلی به فتوна و صنایع اسلامی دارد (یعنی جمع و ربط بین موضوعات و توزیع آنها به طوری که پیچیدگی و مهارت و تجدید و ابتکار بدون آنکه در خود موضوعات تاثیر کند و آنها را از نوق دور کند و یا به توافق و تابع و انسجام و ائتلاف آنها زیانی برساند، در آنها تجلی می کند) عموماً موضوع نقوش تریینی ایران را در دوره اسلامی، می توان به پنج قسمت تقسیم نمود:

اشکال نباتی، تصاویر آدمی، تصاویر حیوانی، خطوط و کتابتها، اشکال هندسی" (زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷) که در تمام این شاخه ها تعادل، توازن و در تبیجه ارامش و وحدت مشاهده می شود البته برای اثبات این ادعای راهی جز آشنایی با آثار تریینی ایران و مقایسه آن با آثار هندی سایر ممالک نیست.

تریین عنصر جدایی ناپذیر در هنر ایران

توجه به تریین را در آثار هندی اقوم کهن در شرق و غرب عالم شاهد هستیم و هر چه به گشته رجوع کنیم، هنرها غالباً با تریینات ظرفیتی آمیخته اند آنچه در این مقاله به معنی و تحلیل آن پرداخته شده نقش تریین در زیبایی آفرینی هنر ایران است.

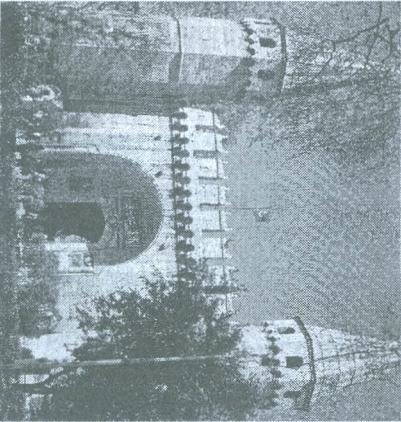
پس از تعاریفی چند از تریین و زیبایی به نمونه هایی از زیبایی آفرینی متنکی بر تریین در شاخه های مختلف هنر ایران مانند معماری و تریینات آن، نقاشی، نقش برجسته و نقش و نگارهای موجود بر فرش، ظروف و اشیاء پرداخته شده است. درک و شناخت زیبایی در میان اقوام کهن بر اساس توجه به طبیعت و تقلید از آن به شکل ارائه تریینی بوده است. با رجوع به تعاریف و تعبیری که از زیبایی شده غالباً زیبایی را با تریین عجین و آمیخته می بینیم، فلسفه تریین در هنر ایران آفرینش زیبایی و بهره وری است. بهره وری به معنای سودمند بودن است. البته این سودمندی گاه جنبه مادی دارد و گاه معنوی.

"واژه زیبا به معنای زیننده بودن و تابع داشتن است و نه قشنگی (جمال) پیرینا در باب پرهیز از بیهودگی در معماری ایران می گوید: آین اصل (پرهیز از بیهودگی) در معماری قبل از اسلام بوده و بعد از اسلام نیز مورد تأکید و استفاده قرار گرفته است." در آیه سوم سوره مومون می خوانیم: و الذین هم عن اللهو معرضون، یعنی آنان که از بیهودگی روی گردانند به طور مثال استفاده از کاشی نه فقط جهت زیبایی، بلکه جهت استکام بخشی به بنا نیز بوده است." (بیرزیه، ۱۳۶۹) اینها و جنبه روحانی هنر باستان ایران به سبب آن است که کمال آن در تریین مطلق است. (پوپه ۱۳۸۰)

"معماران ایرانی در دوره اسلامی برای تریین و آرایش اینه خود کاشیهای مسطح را به کار برده اند و در حقیقت از تریینات برجسته معماری که اینیه اروپایی و هندی را سینگین کرده و برای برآنها شده خودداری نموده اند

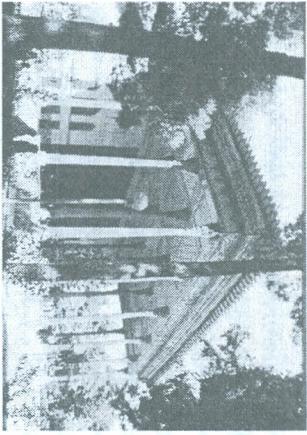
اتفاقاً این زیتهای معماری مسطح و بی سایه یکی از بزرگترین عوامل وضوح، سادگی و آرامش و نمونه کامل ذوق و سلیقه بی مانندی است که همیشه در فن معماری ایرانی تجلی می یابد و زیبایی و ابهت ممزوج با اعتدال به آنها می بخشد و برای این که تقافت زیادی را که میان اینها و سایر ساخته های است مشاهده کنیم، در اثر این مقایسه

زکی محمد حسن آنچا دل گرفتگی است و اینجا (انها) و کاخهای صفوی (دلاشا و فرح انجیر از نظر معماری و فضایی تا حدی شبیه به قصرها و قلعه های بیزانس است (تصویر ۳) اما تزیینات آن بخصوص کاشیکاریها از هنر صفوی اصفهان الهام یافته است (تصویر ۴)



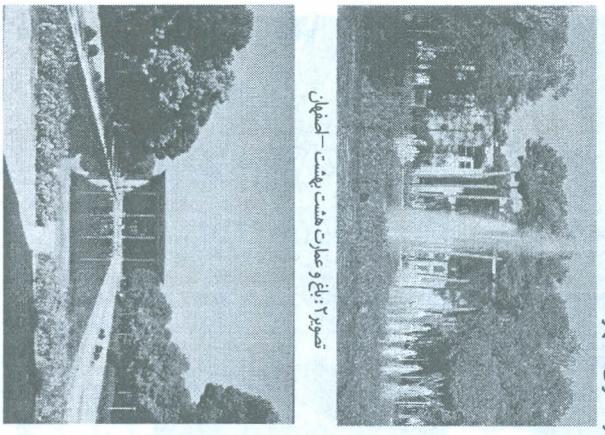
تصویر ۴: سردر کاخ عالی قاچاق (توب کایی) - اصفهان

ترین نوی تعلیم از طبیعت است. در خلاف انسان و سایر موجودات و همچنین در خلفت آسمانها و زمین وجود دارد. بنابراین، انسان به تقلید از طبیعت، در زندگی خود به انسان خوش، از نظر سر و وضع طاهری و لباس ایستادن و پیشست خاله و وسایل و ابزار روزمره زندگی می بیند و دعی می کند که مجیدی زندگی خود را بالکوبڑای از طبیعت و آنچه بدان علاقه مند است، زیاد مثلاً گلستان رنگ تالیلهای که به ذیوار نصب می کند و گاهی با زردیه انتخاب می کند. تزیینات برای زیبا جلوه طالن و احساس شیوهای همچوئی با طبیعت حاصل می شود. البته این نوع زیلی افرینی تزئینی و احساس همدلی با طبیعت مردوط به گشته هاست یعنی زمانی که قاوم با فطری خالص و در ارتباط با طبیعت زندگی می کردند اما امروز صور مدرن که اما آنچه باشد تفاوت و برتری معماری و تزیینات ابریز است (تصویر ۵) ملافت و تسلیمات مقتاطل و موژون اینرا واقعیت فاصله گرفته و زیبا افزینی شکل دیگری به خود گرفته است که به برخی از تزیینات جدید این خصوص اشاره خواهد شد تزیین به معنای چیزی اضافه شده تجملی و تجمیلی بر هنر نیست. بلکه لر هنرهای



تصویر ۵: باغ و عمارت هشت یزد - اصفهان

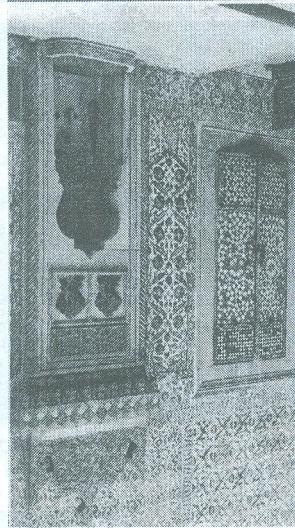
برای مثال تباهی به شکل مقایسه ای اشاره می شود که در این مقاله فرصله توپ کایی استانبول که تنومندی از هنر در مقایسه مجموعه توپ کایی استانبول با مجموعه قش جهان و چهل ستون عثمانی است، با مجموعه قش جهان و چهل ستون (تصویر ۱) و کاخ هشت پیشست (تصویر ۲) در اصفهان که هنر صفوی است، شبکهها و تأثیراتی هنر عثمانی از صفوی مشهود است.



تصویر ۶: باغ و عمارت هشت یزد - اصفهان

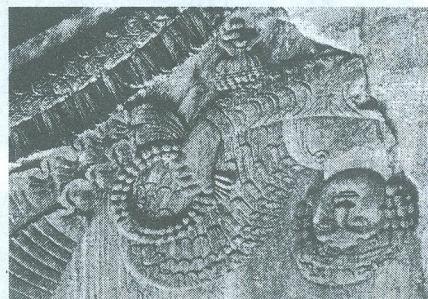
تصویر ۷: باغ و عمارت چهلستون

است. همچنین حلال و هلوک منظر معماری و باغ ایرانی بر چهل سقون، هشت بخشست و عالی قاچار است که در عالی قاچوی استانبول (توب کایی) دیده نمی شود با به تعبیر اما آنچه باشد تفاوت و برتری معماری و تزیینات ابریز است (تصویر ۶) ملافت و تسلیمات مقتاطل و موژون اینرا

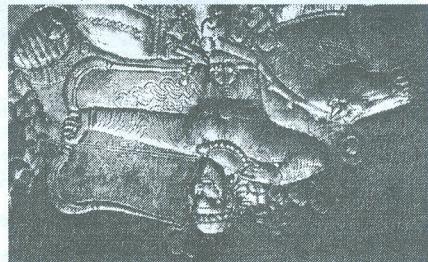


କାହିଁ କାହିଁ କାହିଁ
କାହିଁ କାହିଁ କାହିଁ—କାହିଁ କାହିଁ

ଅନ୍ତର୍ମାତ୍ରାବ୍ଦୀ ପରିବହଣ କାର୍ଯ୍ୟରେ ଉପରେ ଆବଶ୍ୟକ ହେଲାମାତ୍ରାଙ୍କ ଏହାରେ କାହାରେ କାହାରେ



“**የ**ፌዴራል የፌዴራል እና ቤት ማቅረብ” የሚሸጠውን ማረጋገጫ ነው.



ବ୍ୟାକ ପରିମା (ପରିମା)

خواهد بود بنابر این ترئین اثری کار تلف شده است و بدین طریق ساعت نیز از بین می رود همیشه چنین بوده است. از آنجا که ترئین از نظر ارگانیک بیشتر با فرهنگ ما در رابطه نیست به همین لحاظ دیگر یانگر فرهنگ ما نیز نمی باشد لوس از مدرنیستهایی است که به شدت با ترئین مخالف است و آن را امری احمقانه، غیر اقتصادی و خلاف موادین دنیای مدرن می نامد.

آلوف لوس در (برون) چک بدنیا آمد (۱۸۷۰) و در ۱۹۲۸ به وین آمد لوس با توجه به دلایل اقتصادی و تاریخی درباره ترئین صحبت می کرد او معتقد بود که فرهنگ تیجه منصرف شدن از هیجانات است.

مبازات آزادیخواهانه او در برابر روش‌های قرن نوزدهم راهی گشود برای معماران آینده.

یک قدرت روحانی است که انسان را به پرهیز از ترئین دعوت می کند لوس به طراحی معاصر حمله می کند به همان شدت که به شیوه تقليیدی قرن نوزدهم، او به ترئین مدرن (تقليیدی) به عنوان کوهی از زیله نگاه می کند که به وجود می آید و دیده می شود لوس الگوی بود برابر معماران سالهای ۱۹۲۰ او می گویند "تمامی یک فرهنگ برابر است با دور شدن از ترئینات اجسام مورد مصرف."

این عظمت زمان ماست این زمان، موقعیت و زمان عرضه ترئین جدید نیست. ما بر ترئین فائق آمده ایم و به زمان بدون ترئین نفوذ کرده ایم انسانیت نمی باشد دوباره در احساسات ترئین سرخم کند انسانها به حد کافی بزرگ شده اند که ترئین در آنها احساس علاقه بیشتری ایجاد نکند به قدر کافی بزرگ که یک صورت خالکوی شده احساس زیبایی را در ایشان کاهش بدده نه به صورت یک انسان بلوی آن را فراشیش بدده.

انسان مدرن ترئینات فرهنگ‌های بلوی و غریبه را بر حسب اندازه و مقیاس خوشایند ایشان به کار می برد او خلاقیتها و یافته‌های خود را بر روی چیزهای دیگر مرکز می سازد حال به نمونه هایی از زیبایی شناسی ترئینی هنر ایران باستان اشاره می شود.

زیبایی در نقاشی ایران

تأمل در مینیاتورهای ایرانی نیز زیبایی شناسی خاصی را که مبتنی بر سلیقه ترئین گرایی مردم ایران استه به اثبات می رساند نگارگری ایران، مناظری را به نمایش می گذارد

ترئین می گویند ترئین به مفهوم از دست دادن قوای کاری و از بین رفتن مواد است. عدم ترئین نشانه ای از قدرت روح است انسان مدرن ترئینات فرهنگ‌های بلوی و غریبه را بر حسب اندازه و مقیاس خوشایند ایشان به کار می برد او خلاقیتها و یافته‌های خود را بر روی چیزهای دیگری مرکز می سازد برخی از نظریات عصر جدید درخصوص ترئین و زیبایی شناسی بدون ترئین چنین است: "(لوس) (۱۳۸۲)

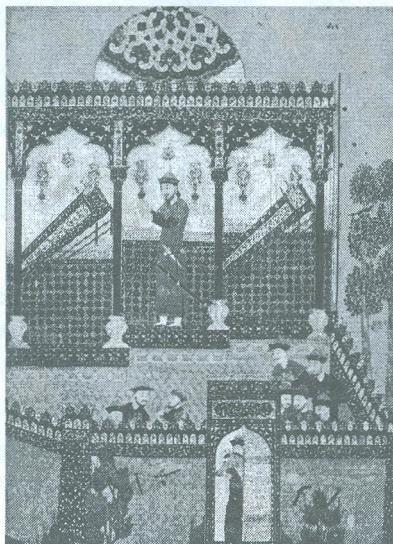


تصویر ۸: پارچه ابریشمی ساسانی با نقش سیمرغ افسنه‌ای

لوئیز اچ سولیوان: ما برای مدتی بهتر است ترئین را کثار نهاده و خود را تماماً بر روی بنا کردن بنایی با فرمهای زیبا و ساختمندی روش مرکز کنیم.

تمامی یک فرهنگ برابر است با دور شدن از ترئینات اجسام مورد مصرف. ما بر ترئین فائق آمده ایم و به زمان بدون ترئین نفوذ کرده ایم، اتفاقی که گوته در آن مرد با شکوهتر از تمامی قصرهای با شکوه رنسانس است و یک مبل ساده زیباتر از تمامی قطعات حکاک شده در موزه هاست. کلام گوته زیباتر از تمامی ترئینهای صحبت چوپانهای شاعر است ترئین قاعده‌تاً موجب گرانتر شدن اشیاء می گردد عدم ترئین باعث کوتاه شدن مدت زمان کار و افزایش درآمد می شود حکاک چینی ۱۶ ساعت کار می کند در حالی که کارگر آمریکایی ۸ ساعت و وقتی که من به یک قوطی ساده همانقدر پیرپارام که برای یک قوطی ترئین شده تقاضوت آن متعلق به زمان کار آن کارگرها

استادی و حسن انتخاب، وجود این صفت در آثار فنی ایران شگفت‌آور نبیست زیرا ایران ملتی است که در فنون و ادب و حیات اجتماعی دارای طبع و نوق بسیار لطیف و عالی و ممتاز است و البته کسانی که مقام غزلیات حافظ و رباعیات خیام و قصص و حکایات سعدی را در ادبیات بین‌الملل درک کرده اند می‌توانند به مقام فنی ایران در میان فنون سایر عالم بی‌برده و ملتافت شوند در این فن چه جنبه اشرافی ممزوج به دقت و ابداع و زیبایی و مهارت موجود است. علاوه بر این، ایران ملتی است که طبعاً دارای غریزه فنی (هنری) بسیار قوی است و زیبایی را در دست دارد و به همین جهت می‌توان گفت هر چیزی را که ایرانی در زندگانی به کار می‌برد مشمول لفظ فن (هنر) می‌شود زیرا همه زیبا و قابل توجه است و چون ملاحظه کنیم می‌بینیم حتی صنعتگر عادی ایرانی در مصنوعات خود قاتع به زیبایی و رونق کمی از اصول (هنر) فن نشده و می‌کوشد آن را تا آخرین درجه امکان زیبا و مطابق ذوق نماید.



تصویر ۹: تزئینات دلخی و خارجی بنایها و اشیاء و آلات و لیزر زنگین با تقویت تزئینی در صحنه های مینیاتور

ایرانیان عشق زیادی به گل و چمنزار و باعچه های سبز و خرم دارند و از وصف و تعریف آنها در ادبیات و اشعار خود خسته نمی‌شوند و چون از این مرحله بگذریم، می‌بینیم همان مظاهر زیبای طبیعت را که نوشت دارند یکی از عناصر اساسی تزئین و آراش آثار فنی خود قرار می‌دهند (تصویر ۱۰) (زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷)

که کوه و دشت و آسمان، درختان سرو و شکوفه های بهاری، بوته ها و گل و گیاهان رنگین، چمنزار و روغنخانه و مرغابیهای پرندگان در حال پرواز و ابرهای پیچان، حوض و فواره و بسیاری از عناصر طبیعت را در فضاهایی ترکیبی از واقعیت و خیال جلوه گر می‌سازد رنگهای شاد و زنده با ترکیباتی عجیب و استثنایی که تنها ذهن خلاق و روح سرخوش نگارگر شرقی این چنین می‌افزیند این همه شکل، رنگ، تنوء، ترین و پرکاری از سلیقه شرقی و با نگاه خاص ایرانی بر می‌خیزد در بحث آفریش زیبایی با تکیه بر ترین و ترین گرامی باید به این نکته اذعان داشت که اقوام گذشته در شرق و غرب عالم به زیبایی افرینی متکی بر گذشته در شرق و غرب عالم به زیبایی افرینی متکی بر ترین قائل بوده اند

هر قوم و قبیله با توجه به شرایط خاص جغرافیایی و محیطی و شیوه زندگی و علاقت بر آمده از شرایط مختلف زیستی طبیعتاً سلیقه و دیدگاه خاصی را در آفریش هنری خود و ارائه زیبایی اعمال نموده اند اما هماناظر که اشاره شد همه اقوام به نوعی زیبا آفرینی ترین گرا دست یافته اند موضوع بحث ما در این مقاله زیبایی و ترین در هنر ایران است. بدینهی است که مقایسه زیبایی در هنر شرق و غرب و به طور اخص هنر ایران با سایر هنرهای اصلی شرقی مانند هند و چین و یافتن نکات اشتراک و افراق آنها می‌تواند معیارهایی را در آفریش هنری این اقوام مشخص سازد قاعدهاً آنچه در نوع بشر فطری است، در هنر اقوام مختلف یکسان به ظهور می‌رسد

یکی از مشخصات باز مینیاتور ایرانی، حضور معماری در صحنه های داستانی می‌باشد بسیاری از صحنه های نگارگری ایران که داستانهای عاشقانه، بزم و رزم یا کلاس درس و ... را نشان می‌دهد در ارتباط نمایهای از ساختمان و معماری است. نمایش آنها، در و دیوار، پنجره، حصار باغ و دیگر قسمتهای بنا همراه با تزئینات نگین از کاشیکاری، گچبری و آجرکاری به نمایش در آمده است. تزئینات رنگین معماری همراه با تزئینات دلخی ساختمان مانند فرشتهای پر نقش و نگار، پردههای چراغانهای آویخته از سقف، همچنین آلات موسیقی، ظروف و اشیاء با ریزترین نقش و نگارها به تصویر کشیده شده است، به طوری که حال و هوای دوران را از هر حیث نشان می‌دهد (تصویر ۹)

عظمتی که در آثار فنی ایران مشاهده می‌شود عظمت ممتازی است عظمتی مملو از دقت و خوش ذوقی و

نتیجه‌گیری

زیبایی شناسی هنر ایران بر اصل ترئین استوار است. ترئین نوعی تقلید و الهام از طبیعت است که به اشکال گوناگون در هنر ظاهر می‌شود طبیعت گرایی در ترئینات ایرانی و اسلامی ریشه در اعتقادات ایران باستان و فکر اسلامی دارد زیبایی‌های طبیعت در قلب‌های هندسی و تربیتی، رئالیستی و ناوت‌اللیستی و سورئالیستی در دوران مختلف هنر ایران از عهد باستان تا دوره قاجار و در شاخه‌های گوناگون هنری جلوه گر شده است.

از آنجا که باورهای مردم و اعتقادات دینی ایشان مبنی بر ستایش عناصر طبیعی بوده است، بدیهی است که این عناصر طبیعی به اشکال مختلف در هنرها جلوه گر شده است.

همانگونه که در شعر و ادبیات آمده است، مهمترین عناصر طبیعی که در ادیان باستان تقدس یافته و مورد ستایش قرار گرفته است عبارتند از: خورشید، ماه، کوه، چشم، گیاهانی همچون سرو، گل، آفتابگردان، نیلوفر، برسُم و میوه اثار.

منابع

- اسپرن، آن ویستون، ۱۳۸۴، زبان منظر. ترجمه سید حسن بحرینی، مهندز امن زاده انتشارات دلشگاه تهران.
- پیرنیا محمد کریم، ۱۳۵۹، شیوه‌های معماری ایران. چاپ و نشر نیاند.
- پیرنیا محمد کریم، ۱۳۷۱، آشنایی با معماری اسلامی ایران. چاپ دانشگاه علم و صنعت ایران.
- جواهی شهره ظهور رنگ در ترئینات مقره خواجه اثیک سلجوقی. مجله مدرس هنر. شماره ۱۳۸. دانشگاه هنر. دانشگاه تربیت مدرس.
- زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷، هنر ایران. ترجمه ابراهیم اقایی، صدای معاصر. تهران.
- سجادی، علی، ۱۳۷۵، سیر تحول محاسب سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شواری، آگوست، ۱۳۸۱، تاریخ معماری. ترجمه لطیف بوآقاوسی. انتشارات دانشگاه تهران.
- کلارکه کنت، ۱۳۷۰، سیر مناظره پردازی در هنر. ترجمه بهنام خاوران. نشر ترمه.
- لویس، آنده، ۱۳۸۲، زیاشناخته ترجمه سعید حقیر. شماره ۹.
- ولبر، دونالد، ۱۳۶۵، معماری اسلامی ایران دوره ایلخانان. ترجمه عبدالله فربادت. انتشارات علمی و فرهنگی.
- پویه آ، ۱۳۸۰، شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز نائل خلخالی. انتشارات علمی فرهنگی تهران.



تصویر ۱۰: طبیعت پردازی ترئینی در مینیاتور ایرانی

معماران هنرمند ایرانی نیز این ذوق خود را نشان داده اند باگهای با زیباترین ترتیبات از ترکیب آب و انواع گل و گیاهان ساخته اند که الگوی آن مورد تقلید سایر ملل اسلامی قرار گرفته است. باگهای با جویهای روان و درختان میوه و زیستی و گل و بوته هایی که بعضی جنبه دارویی داشته و برخی دیگر به منظور زیبایی و رنگارنگی و عطر و بوی آنان مورد استفاده قرار گرفته است. پیرنیا در خصوص باگسازی ایرانی می‌گویند: "سازندگان باگها همچنان که در سایر هنرها در آفرینش زیبایی و ترئین" از بیهودگی پرهیز داشته اند در آرایش باگها نیز درخت، گل و گیاه را با منطق خاصی و به منظور معین استفاده کرده هیچگاه بدون دلیل چیزی را نمی‌کاشته اند

بعضی درختها برای ایجاد سایه بوده است؛ مانند سرو، کاج، ناون، افرا، ارغوان و غیره. از درختان میوه دار از همه مهمتر توت بوده است و دیگر درختها مانند سیب، گلابی، آلو، هلو، زرد آلو و شفتالو نیز در باگها می‌کاشته اند درخت انجیر را معمولاً در گوشه باغ می‌کاشتند. کاج و سرو و شمشاد را در دو طرف جوی آب، گلهای سرخ و محمدی برای گلاب. دهی و خاصیت طبی و گلهای زنبق سفید، همیشه بهار، شب بو و گل مشکیجه و غیره نیز هر یک علاوه بر زیبایی و رنگارنگی و ترئین باگ در جای مناسب خود قرار گرفته و خواصی داشته اند".